

جمهوری آذربایجان در انتظار تحولات اجتماعی، سیاسی

خبرگزاری آران/سرویس آذربایجان

حسن کلی

کارشناس مسائل قفقاز

جمهوری آذربایجان در انتظار تحولات اجتماعی، سیاسی

دیپاچه :

...سال 1991 فرا رسیده بود، سالی که به دلیل تقارن آن با «فروپاشی ابرقدرت شرق» سرآغاز فصل جدیدی از مناسبات بین المللی گردید، در کنار همه مسائل مهم آن روز، بسیاری از تحلیلگران ایرانی و غیرایرانی و برخی کشورها و سازمانهای بین المللی، نگاه خود را به عکس العمل ایران در قبال جمهوری های قفقازی جدا شده از اتحاد جماهیر شوروی دوخته بودند؛ ایران می توانست براساس عرف موجود روابط بین الملل و با استناد به واقعیتهای تاریخی و تحمیلی بودن قراردادهای گلستان و ترکمنچای که حتی از اصول اولیه قرار دادهای بین المللی مانند قصد و رضاء واقعی طرفین، بی بهره می باشند از به رسمیت شناختن استقلال جمهوری های فوق امتناع نموده و ادعای مالکیت نماید. اما رئیس جمهور وقت ایران از باب حسن همجواری، اولین مقام رسمی در سطح بین الملل بود که در خطبه های نماز جمعه تهران، از به رسمیت شناخته شدن این جمهوری ها از جمله جمهوری آذربایجان توسط ایران خبر داد و از آن زمان تاکنون روابط پرفراز و نشیبی بین دو کشور ایجاد گردیده که در این نوشتار به واکاوی گوشه هایی از آن و نیز بررسی وضعیت کلی جمهوری آذربایجان و شرایط آتی آن می پردازیم .

جمهوری اسلامی ایران و جمهوری آذربایجان

کمکهای ایران

اوایل استقلال جمهوری آذربایجان، جنگ قره باغ اوج گرفت، ایران تمام تلاش خود را به کار بست تا موضوع را بر اساس تمامیت ارضی جمهوری آذربایجان میانجیگری نماید و حتی سران دو کشور متخاصم (ارمنستان و جمهوری آذربایجان) را در تهران پشت میز مذاکره و صلح جمع نمود که البته عدم جدیت دولتمردان آذری و البته شیطنت روسها، تلاش تهران را به نتیجه کامل نرساند، از شروع بحران قره باغ تا کنون، ایران از هیچ کمکی برای مردم آذربایجان مضایقه ننموده که کمکهای قابل توجه کميته امداد - که تا امروز ادامه دارد- و نیز ایجاد امکان ارتباط زمینی بین جمهوری آذربایجان و جمهوری خودمختار نخجوان و تامین گاز و برق آنها در روزهای سخت، تنها نمونه هایی از مساعدت ایران در خصوص مردم این کشور همسایه می باشد .

مدتی قبل، ایران در اقدامی انسانی دوستانه، از طریق لغو یک طرفه ویزا برای مردم جمهوری آذربایجان زمینه مسافرت راحت و کم هزینه مردم مسلمان جمهوری آذربایجان به ایران جهت امور زیارتی و درمانی و... را فراهم نمود.

البته در کنار همه این حمایتها، جمهوری اسلامی ایران از هیچ اقدام سیاسی نیز در حمایت از جمهوری آذربایجان نیز دریغ ننموده که به رسمیت شناختن تمامیت ارضی این کشور در مجامع مختلف منطقه ای و بین المللی تنها یک نمونه می باشد، موضوعی که حتی برخی از متحدان غربی باکو از آن خودداری کرده اند، اما در مقابل، دولت جمهوری آذربایجان هم به صورت منصفانه ای! حق همسایگی و حسن همجواری را رعایت کرده و مساعدتهای ایران را پاسخ گفته است.

اقدامات ضد ایرانی جمهوری آذربایجان

دولتهای مختلف باکو از بدو استقلال تا کنون تحت تاثیر صهیونیستها، زمینه فعالیتهای تحریک آمیز محافل و گروههای قوم گرای ضد ایرانی را فراهم آورده و حتی هر از گاهی رئیس جمهور این کشور، خود نیز آنان را همراهی نموده که آخرین مورد آن ادعای مضحک آقای علی اف در 31 دسامبر سال 2010 مبنی بر رهبر 50 میلیون آذری می باشد، ضمن اینکه تجمع 30 نفری روز چهارشنبه (13 بهمن) کنگره به اصطلاح آذربایجانیهای جهان در مقابل سفارت جمهوری اسلامی ایران در باکو، اقدامی دیگر در همین راستا بود که با سفارش صهیونیستها و مجوز دولت باکو صورت گرفت.

البته اغلب رسانه های جمهوری آذربایجان نیز رسم همسایگی را به جا آورده و در انجام تبلیغات ضد ایرانی، گوی سبقت را حتی از رسانه های غربی رپوده اند که نوع رفتار برخی شبکه های تلویزیونی جمهوری آذربایجان به مراجع معظم به دلیل ابراز نگرانی ایشان از ممنوعیت حجاب در جمهوری آذربایجان تنها نمونه ای در این خصوص می باشد.

در کنار این مسائل، اخیرا پس از دستگیری عوامل ترور دانشمند هسته ای کشورمان شهید علی محمدی، نقش دولت باکو در تسهیل شرایط برای آموزش این عوامل، توسط صهیونیستها مشخص گردید، ضمن اینکه همین اواخر (5 بهمن) شبکه آینس جمهوری آذربایجان به صورت ناخواسته و یا براساس یک سناریوی از قبل طراحی شده همکاری سازمان امنیت جمهوری آذربایجان و گروهک منافقین را افشا نمود.

چرایی اقدامات ضد ایرانی در باکو و واکاوی آنها

رسانه های دولتی و به اصطلاح غیر دولتی جمهوری آذربایجان که زبان گویای دولت باکو هستند، دلیل این اقدامات خود علیه ایران را روابط ایران و ارمنستان و نیز آنچه دخالت ایران در امور داخلی این کشور می خوانند؛ عنوان می کنند، البته همین رسانه ها خود، بیش و پیش از همه به ناموجه بودن توجیحات خود اذعان دارند و برای همین، هیچگاه در جواب مستدل کارشناسان ایرانی پاسخی ارائه نکرده اند، آنان به خوبی می دانند حجم روابط اقتصادی ایران و ارمنستان بسیار پائین تر از حجم روابط تهران - باکو می باشد. آنان خود می دانند ایران به دلیل داشتن مرز مشترک با ارمنستان و نیز به دلیل اشتراکات تاریخی و فرهنگی و ... ناگزیر به داشتن روابط با با این کشور می باشند. آنان به خوبی می دانند چنانچه دولت باکو حسن نیت داشته باشد می تواند از روابط تهران- ایروان به نفع حل مناقشه قره باغ استفاده نماید. آنان به خوبی می دانند حجم روابط رسمی ایران و ارمنستان کمتر از روابط غیر رسمی ترکیه و ارمنستان است؛ روابطی که هیچ گاه مورد اعتراض آذریها قرار نگرفته است. آنان به خوبی می دانند بخش قابل توجهی از اقتصاد ارمنستان توسط تاجران جمهوری آذربایجان اداره می شود. آنان می دانند رئیس جمهورشان در ظاهر از اولویت حل مناقشه قره باغ دم می زند و در پشت پرده با رئیس جمهور ارمنستان شطرنج بازی کره و اسکیت سواری می کند. آنان می دانند که دولت جمهوری آذربایجان هیچ تمایل قلبی برای حل مناقشه قره باغ ندارد چرا که از آن به عنوان ابزاری جهت توجیه مشکلات داخلی و فضای امنیتی موجود و مهتر از آن به عنوان وسیله ای جهت مادام العمر کردن ریاست جمهوری استفاده می نماید.

همچنین آنان می دانند، آنچه دخالت ایران در امور داخلی به ویژه در مسائل مربوط به ممنوعیت حجاب اسلامی در مدارس متوسطه کشورشان می خوانند دخالت نیست بلکه حساسیت 70 میلیون ایرانی به اعتقادات دینی خود می باشند. آنان از رسالت فرامرزی مراجع در دفاع از حریم آموزه های دینی خبردارند.

آنان از اشتراکات مذهبی و فرهنگی مردم دو کشور و علاقمندی مردم ایران به حفظ این میراث مشترک مطلع هستند، آنان از وظیفه تشکیل موسسات غیر دولتی که فارغ از محدودیتهای دیپلماتیک، وظیفه حراست از فرهنگ و تاریخ یک ملت را برعهده دارند آگاه هستند، آنان بر رسالت رسانه های ایران که بر اساس آن از اعتقادات دینی در هر نقطه ای از عالم دفاع می کنند واقف هستند.

آنان همه اینها و برخی واقعیتهای دیگر را می دانند اما برخی را دلارهای صهیونیستی و برخی را تهدیدات دولتی و شاید برخی را لجاجت و غرق شدن در تبلیغات ضد ایرانی از بیان حقایق باز می دارد.

مسئولیت دستگاه دیپلماسی کشور در خصوص اقدامات ضد ایرانی باکو

دراین شرایط یقینا متولیان سیاست خارجی کشور به این نکته واقف هستند که نجابت و رعایت حسن همجواری، نه موضوعی یک طرفه بلکه مسئله ای دو سویه است. زمانی که دولتی اصرار بر

نادیده گرفتن الزامات همسایگی و سوء استفاده از خویشترن داری طرف مقابل دارد تکلیف مشخص است. لذا شایسته است دستگاه دیپلماسی ایران از حداقل ابزارهای در اختیار مانند فراخوانی سفیر جمهوری آذربایجان در تهران و تذکر جدی به ایشان استفاده نماید تا شاید دولت باکو در بی مسئولیتی خویش در قبال اقدامات ضد ایرانی صورت گرفته در جمهوری آذربایجان تجدید نظر نماید.

البته موضوعی که بیان آن در این قسمت ضروری به نظر می رسد، اینکه ممکن است دولت باکو با اتخاذ سیاست فرار به جلو و تداوم ممنوعیت حجاب اسلامی در مدارس و تشدید سرکوب و دستگیری اسلامگرایان خواسته باشد، به موقع از اهرمی تحت عنوان «کاهش فشار بر اسلامگرایان» به عنوان ابزاری جهت چشم پوشی جمهوری اسلامی ایران از اقدامات ضد ایرانی این دولت به ویژه همراهی آنان با صهیونیستها در ترور دانشمندان هسته ای ایران استفاده نماید که در این خصوص بایستی به این مهم اشاره نمود که اسلام ستیزی صرفا تاکتیک دولت جمهوری آذربایجان برای رسیدن به خواسته های کوتاه مدت خود نیست بلکه راهبرد اساسی این کشور جهت تداوم حکومت خود بر مردم مسلمان و شیعه جمهوری آذربایجان محسوب می گردد که تحت تاثیر صهیونیستها صورت می گیرد، چرا که تنها راه بقا و دوام سلطه خویش را در جلوگیری از تعمیق باورهای دینی در بین مردم این کشور می داند.

جمهوری آذربایجان در انتظار تحولات اجتماعی، سیاسی

امروزه علیرغم همه تلاشی که جهت زدودن نمادهای مادی و معنوی اسلام از جمهوری آذربایجان و مردم آن صورت می گیرد، لیکن احیای ارزشهای شیعی در این کشور به واقعیتی غیر قابل کتمان تبدیل شده است که آخرین و روشن تر مصداق آن مقاومت حدود سه ماهه دینداران، روحانیون، تشکلهای اسلامی به ویژه حزب اسلام این کشور در مقابل سیاست حجاب ستیزی جمهوری آذربایجان می باشد که نوع برخورد دولت مردان جمهوری آذربایجان با این واقعیت سردرگمی و استیصال آنان را به وضوح نشان می دهد.

به طور حتم مردم مسلمان جمهوری آذربایجان با الهام از سایر کشورهای اسلامی مانند تونس، مصر، یمن و... بیش از پیش در مقابل سیاست اسلام ستیزی دولت باکو ایستادگی خواهند کرد و چنانچه این دولت در سیاستهای ضد دینی خود، تحولات بنیادین ایجاد نموده و به حقوق دینداران این کشور احترام قائل نگردد بایستی سرنوشتی مانند سرانجام بن علی رئیس جمهور دیکتاتور تونس و حسنی مبارک رئیس جمهور مخلوع مصر برای خود پیش بینی کند.

البته شواهد و قرائن نشان می دهد که آقای الهام علی اف از مدتها قبل به چنین سرنوشتی اندیشیده است که اقداماتی مانند سپرده گذاریهای کلان در بانکهای اروپایی و خرید برجهای گرانیقیمت در دبی - به نام فرزند خویش- را انجام داده است.

به نظر می رسد در حال حاضر، عاقلانه ترین مسیر آنست که آقای علی اف به جای اینکه روزی همچون محمد رضا شاه پهلوی از طریق تلویزیون ملی کشورش اعلام کند: «کهدصدای اعتراض مردمش را شنیده است»، هم اکنون در عمل، کیاستی را که لازمه ریاست جمهوری است از خود نشان دهد و با لغو ممنوعیت حجاب و دستور آزادی سریع و بی قید و شرط مدافعان حجاب، خود را حداقل به صورت موقت از آتش خشم مردم نجات دهد.

نگارنده علیرغم علم بر تفاوتهای جامعه امروز جمهوری آذربایجان با کشورهایمانند تونس، مصر، یمن و... که هم اکنون خشم مردم، همچون آتش زیر خاکستر سر برآورده است، بر این اعتقاد است سیاستهای ضد دینی باکو در طول دو دهه گذشته از یک طرف و تعمیق تدریجی آموزه های شیعی در بین بخشی از مردم جمهوری آذربایجان از طرف دیگر، چنان وضعیتی را در این کشور فراهم آورده که تحول اجتماعی و به دنبال آن دگرگونیهای سیاسی در آینده نچندان دور را ناگزیر ساخته است. گرچه در شرایط حاضر تعیین زمان، نوع و نتایج این تحول به دلیل وابستگی آن به متغیرهای مختلف مقدور نیست، لیکن در حتمیت وقوع آن و نیز اینکه دینداران آذری، کارگردانان اصلی این تحول و تلاش رژیم صهیونیستی در جمهوری آذربایجان برای حفظ و افزایش فشار خود یکی از وجوه آن خواهند بود، نبایستی شک نمود. این نه یک پیش بینی صرف، بلکه تحلیل واقعیتهای جمهوری آذربایجان می باشد، نگاهی به وضعیت این کشور در بخشهای گوناگون مبانی این تحلیل را روشن می کند.

زمینه های تحولات اجتماعی، سیاسی در جمهوری آذربایجان

1. نحوه نیل آقای الهام علی اف به مقام ریاست جمهوری آذربایجان که بر اساس سناریوی سیاسی طراحی شده از سوی رئیس جمهوری فقید جمهوری آذربایجان در سال 2003 صورت پذیرفت و نیز نحوه برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در سال 2008 و انتخابات مختلف پارلمانی به ویژه انتخابات سال 2010 که در جریان این انتخابات اکثر قریب به اتفاق نامزدهای احزاب مخالف و تمامی نامزدهای گروه ها و تشکلهای اسلامگرا رد صلاحیت شدند و انتخابات فوق به صورت غیر رقابتی و پرباهم برگزار گردید و نیز تلاش اخیر دولت جمهوری آذربایجان در زمینه سازی برای مادالامر نمودن ریاست جمهوری (حذف محدودیت کاندیداتوری بیش از دو نوبت) که در قالب اصلاح قانون اساسی انجام شد، مشروعیت دولت جمهوری آذربایجان در سطح داخلی و بین المللی را بسیار کم رنگ نموده است.

2. در حال حاضر نزدیک دو دهه است که از اشغال قره باغ می گذرد و دولت باکو هیچ اقدام عملی برای آزاد سازی آن انجام نداده و صرف ادعاهای رئیس جمهوری آذربایجان مبنی بر اهتمام جدی جهت آزاد سازی قره باغ و لو با توسل به زور، در مرور زمان به ویژه با افشا رابطه صمیمی روسای جمهوری آذربایجان و ارمنستان از شبکه جهانی سحر در نزد افکار عمومی با تشکیک اساسی مواجه شده است. ضمن اینکه علنی شدن روابط اقتصادی تاجران آذری با ارمنستان و مواردی از این دست؛ امید مردم جمهوری آذربایجان به بازپس گیری قره باغ را بسیار کم رنگ نموده است.

3. مدتهاست که اکثریت مردم جمهوری آذربایجان از شرایط نامناسب اقتصادی به ستوه آمده اند، امروزه بخش قابل توجهی از مردم جمهوری آذربایجان مجبورند از سپیده دم تا پاسی از شب به سختی کار کنند تا صرفا بتوانند هزینه بالای اجاره مسکن، خوراک و درمان را تامین نمایند، ضمن اینکه حدود دو میلیون آذری، از سالها امرار معاش در خارج از وطن خود به ستوه آمده اند که تجمعات آنان در کشورهایی مانند گرجستان، روسیه، اکراین گویای این واقعیت است و در کنار آن تعداد زیادی از جوانان این جمهوری از نبود اشتغال و عدم توانایی برای تشکیل خانواده رنج می برند. علاوه بر این نارسایی سیستم اداری جمهوری آذربایجان و واقعیتهایی مانند لزوم پرداخت رشوه جهت انجام ساده ترین امور اداری، زندگی مردم را با سختیهای زیادی مواجه نموده است.

4. با علم به این نکته که در طول تاریخ یکی از شرایط ضروری برای ایجاد دگرگونیهای اجتماعی و سیاسی در هر کشوری، خواست زنان آن کشور جهت تحقق این امر بوده است، بایستی به این مهم اشاره نمود که امروزه بخشی از زنان جمهوری آذربایجان که انجام امور سنگینی مانند نظافت شهر، اداره نانوائیهای سنتی و... بر عهده آنان گذاشته شده است از مقایسه وضعیت زندگی خود با زنان کشورهای همسایه مانند ایران و ترکیه، سخت نا خرسند هستند، بخشی از زنان جمهوری آذربایجان که گاه با انگیزه مالی و گاه به دلایل دیگر به عرصه هایی مانند بازیگری، خوانندگی و... کشیده شده اند از نقش خود در جامعه جمهوری آذربایجان که همانا نقش تبلیغاتی و تجاری است خسته شده اند و به دنبال راهی برای برگشتن به خویشترن خویش می باشند که در همین راستا هر از گاهی اخباری به گوش می رسد، بخش دیگر بانوان آذری را زنان متدین و معتقد به اعتقادات اسلامی تشکیل می دهند، این گروه از زنان از محدودیت های دینی موجود مانند ممنوعیت صدور اسناد هویتی باپوشش اسلامی و... به ستوه آمده اند.

5. امروزه به استناد نظر سنجی های موجود، نارضایتی بخشهای مختلف جمهوری آذربایجان از صهیونیستها افزایش یافته است که این نارضایتی حتی به بدنه نیروهای نظامی و امنیتی باکو سرایت کرده است، چه اینکه اینان سلطه صهیونیست ها را توهین آشکار به خود می دانند، ضمن اینکه بر اساس برخی گزارش ها، حتی در خود دولت نیز نوعی دو دستگی ناشی از نفوذ صهیونیستها ایجاد گردیده است. حضور گسترده مردم در تجمعات ضد اسرائیلی در جریان جنگ 22 روزه که منجر به تعطیلی موقت سفارت تلاویو در باکو گردید و نیز راهپیمایی های روز جهانی قدس علیرغم محدودیتهای فراوان تنها بخشی از قرائن موجود در این خصوص می باشند. ضمن اینکه واهه صهیونیستها از فعالیت در جمهوری آذربایجان که مواردی مانند تعطیلی موقت سفارت اسرائیل در باکو و هشدار امنیتی رژیم صهیونیستی به اتباع خود در جمهوری آذربایجان مبین آن است، نشان از خشم مردم جمهوری آذربایجان نسبت به اسرائیل می باشد که نادیده گرفته شدن خواست مردم در این خصوص توسط دولت نمودی از شکاف عمیق بین دولت و مردم در جمهوری آذربایجان می باشد.

6. امروزه بخشهای قابل توجهی از مردم مسلمان جمهوری آذربایجان، پس از سالها استیلاء روسها و پس از آن، ادامه حیات در سایه تفکرات و فرهنگ برهنگی و ابتذال غرب از کمونیسم و لیبرالیسم

روی گردان شده و خواهان زندگی تحت آموزه های دین اسلام می باشند و به همین دلیل، هر اندازه که حاکمیت از عدم محبوبیت مردمی رنج می برند؛ که نمود آشکار آن حضور کم رنگ مردم در انتخابات پارلمانی اخیر می باشد؛ احزاب غرب گرایی که مخالف دولت هستند نیز از نبود پایگاه مردمی در تنگنا هستند و در این شرایط صرفا دینداران و تشکلهای اسلامی به ویژه حزب اسلام این کشور است که به تدریج مورد توجه مردم واقع می گردد که البته موضوعاتی مانند روی کار آمدن اسلامگراها در ترکیه و بهبودی اوضاع اقتصادی و اجتماعی آن کشور، در این گرایش دخالت دارند. گواه روشن این گرایش را می توان در اعتراضات مردم به دستگیری دکتر صمد اف، رئیس حزب اسلام توسط حاکمیت مشاهده نمود.

7. امروزه جوانان زیادی از مردم جمهوری آذربایجان بنا بر تکلیف دینی خود جهت آموزش معارف دینی از موطن خود دور افتاده اند، این جوانان بر این باورند، چنانچه دولت باکو با تاسیس حوزه علمیه در این کشور مخالفت نمی کرد، می توانستند در کنار خانواده خویش به تحصیل علوم دینی همت گمارند، همین جوانان در جریان ممنوعیت حجاب و دستگیریهای پس از آن، کمیته دفاع از مدافعان حجاب را تشکیل داده و در راستای تحقق اعتقادات دینی خود از هیچ کوششی دریغ نمی کنند، البته جوانان مومنی نیز که در جمهوری آذربایجان زندگی می کنند، از بی توجهی دولت بسیار رنجیده خاطر هستند. کسانی که با واقعیتهای اجتماعی جمهوری آذربایجان آشنایی دارند، نسل جوان معتقد به مبانی دینی را که با شور و شوق خاصی در مساجد و حسینیه ها به انجام تکالیف دینی می پردازند به چشم دیده اند، این جوانان که همه روزه بر تعدادشان نیز افزوده می شوند، هیچ جایگاهی در برنامه های فرهنگی دولت و رسانه های تصویری ندارند، به عنوان مثال در دوم فوریه (13 بهمن) که در جمهوری آذربایجان روز جوان نامگذاری شده و همه شبکه های تلویزیونی بخش زیادی از برنامه های خود را به برنامه های ویژه این روز (رقص، آوازخوانی، ورزش، کنسرت و...) اختصاص می دهند، هیچ اشاره ای به وجود جوانان مذهبی، مشکلات و محدودیتهای آنان نمی شود و طبیعی است که این جوانان از اینکه مورد بی توجهی دولت قرار می گیرند ناخرسند باشند هرچند که در کوتاه مدت نتوانند ناخرسندی خود را علنی نمایند.

8. نویسنده این سطور از آمارهای ارائه شده توسط دستگاههای دولتی باکو و حتی سازمانهای بین المللی که در آنها از رشد بالای اقتصادی، تجاری، سرمایه گذاری و... در جمهوری آذربایجان سخن به میان آمده است آگاه است و نیز پیشرفتهای عمرانی جمهوری آذربایجان به ویژه باکو را به چشم دیده است و اینکه باکو همچون شهری حداقل نیمه اروپایی در آمده است را قبول می نماید، لیکن در کنار اینها، واقعیتهای دیگری نیز موجود است. از جمله آنکه منافع و عایدات رشد اقتصادی و تجاری جمهوری آذربایجان که از فروش نفت و سایر منابع حاصل می گردد صرفا در خدمت اقلیت محدود این کشور است و اکثریت مردم جمهوری آذربایجان از نتایج رشد اقتصادی محروم هستند. علاوه بر این، نگارنده در کوچه و پس کوچه های شهرهای مختلف جمهوری مورد بحث و در پشت آسمان خراشهای اروپایی باکو، خانه های متعددی را به چشم دیده است که احتمال ریزش آنها بر سر ساکنین خانه ها، توجه هر عابری را به خود جلب می کند، همچنین بر اساس مطالعات میدانی و نیز اعلام منابع آگاه، بخش قابل توجهی از برجهای باکو و... که انصافا چشم انداز آنها به ویژه در هنگام شب به واسطه هنر نور پردازی زیبا و دل انگیز است؛ خالی از ساکنین آذری بوده و توسط صهیونیست ها احداث شده اند تا بتوانند در موعد مناسب از آنها در راستای سیاست خود که یکی از این سیاست ها تغییر ترکیب جمعیتی باکو به نفع یهودیهاست استفاده کنند و البته این در حالی است که هنوز پس از سالها از جنگ قره باغ، بسیاری از آواره گان این جنگ خانمان سوز، زاغه نشین حومه باکو هستند.

استراتژی طرفین، مهمترین متغیر موثر در تحولات آتی جمهوری آذربایجان

از تحلیل آنچه گفته شد و تطبیق آن با شرایط منطقه ای و بین المللی، می توان جمهوری آذربایجان را در ردیف کشورهای در آستانه تحول نگاه کرد که البته هم دولت جمهوری آذربایجان و هم رژیم صهیونیستی به عنوان شریک تجاری اول این جمهوری و قدرت صاحب نفوذ در ارکان حکومتی باکو، به درستی متوجه این موضوع گردیده اند و برخورد شدید دولت جمهوری آذربایجان، تحت تاثیر صهیونیستها با حزب اسلام به عنوان نماد اسلام سیاسی در این کشور در همین راستا قابل ارزیابی است.

غرض از طرح این نکته، اشاره به یکی از متغیرهای تاثیر گذار در نوع و نتیجه تحولات اجتماعی سیاسی جمهوری آذربایجان می باشد و آن میزان و نوع فعالیت و استراتژی اسلامگرایان و نیز نحوه عمل دولت باکو و رژیم صهیونیستی می باشد، طبیعی است هر طرف سنجیده تر و با در نظر گرفتن جمیع جوانب عمل نماید، می تواند در تعجیل یا تاخیر وقوع تحولات و نیز کیفیت نتایج ناشی از آن موثر باشد.

البته آنچه در شرایط کنونی مشهود است اینکه دولت باکو از سر استیصال، اشتباهات دولتهایی مانند پهلوی در ایران، آتاتورک و بن علی در تونس را تکرار می کند و آن اشتباه، قرار گرفتن در برابر اعتقادات دینی مردم و تشدید سیاست سرکوب اسلامگرایان می باشد که در حال حاضر مصادیق آن مانند ممنوعیت پخش اذان از شبکه های تلویزیونی، ممنوعیت صدور اسناد هویتی با پوشش اسلامی، تلاش برای تخریب مساجد، ممنوعیت تاسیس حوزه های علمیه، ممنوعیت وجود نمادهای دینی در ادارات و بالاخره ممنوعیت حجاب در مدارس متوسطه و تلاش برای تعمیم آن به دانشگاهها و دستگیری گسترده مدافعان حجاب قابل مشاهده می باشد.

فرجام سخن

ایران و تحولات آتی جمهوری آذربایجان

در پایان آنچه مورد اشاره قرار می گیرد اینکه با توجه به وجود همسایگی ایران و جمهوری آذربایجان و نیز به دلیل اشتراکات تاریخی، فرهنگی، زبانی و مذهبی ملت ایران و مردم جمهوری آذربایجان، تحولات آینده این کشور، خواه ناخواه امنیت و منافع جمهوری اسلامی ایران را بیش از پیش تحت تاثیر قرار خواهد داد. لذا لازم است متولیان سیاست خارجی، با تعمیق شناخت خود از این کشور و تحولات آن نقش فعال تری در خصوص تامین منافع ملی کشورمان در جمهوری آذربایجان که بزرگترین کشور قفقاز جنوبی است ایفاء نمایند، البته همانگونه که در بدو استقلال جمهوری آذربایجان، ترکیه به عنوان رقیب دیرین ایران، با کمترین هزینه توانست منافع زیادی در این کشور به دست آورد امروزه نیز همین کشور با تحلیل صحیح شرایط و پیش بینی واقع بینانه تحولات آتی، حمایت خود از اسلامگرایان آذری را شروع نموده که به طور طبیعی متضمن منافع آنها در آینده خواهد بود.

البته در دنیای امروز، انتظار تامین کامل منافع و امنیت ملی یک کشور در عرصه های مختلف توسط وزارت امور خارجه، انتظار به دور از واقعیت بوده و ناشدنی است، لذا شایسته و بایسته است عموم مردم به ویژه علما، اصحاب رسانه، اساتید دانشگاه، دانشجویان، دانش آموزان، نهادهای فرهنگی و اجتماعی غیردولتی، شخصتهای سیاسی، نمایندگان مجلس و... بیش از پیش در زمینه ایفاء نقش در خصوص مسائل جمهوری آذربایجان فعال شوند و ناگفته پیداست حمایت معنوی از دینداران این کشور بنا به صریح آیات قرآنی و احادیث معصومین و طیفه ای شرعی است که الحمدالله مراجع عظام تقلید در این خصوص هدایتگر و پیش رو بوده و پیش از این در جریان تخریب مسجد حضرت فاطمه (زهره) قدرت معنوی خود را نشان داده اند.

علاوه بر این حساسیت مردم مسلمان ایران به ویژه نخبگان سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در خصوص تحولات اجتماعی، سیاسی جمهوری آذربایجان و دفاع از مسلمانان این کشور براساس قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به ویژه اصل 152 آن، وظیفه قانونی تلقی می گردد.

همچنین با توجه به اینکه رژیم صهیونیستی به عنوان بزرگترین دشمن جهان اسلام، جمهوری آذربایجان را بهترین بستر اعمال سیاست های ضد ایرانی و ضد اسلامی خود یافته و همه تلاش خود را برای دور کردن مردم این کشور از فرهنگ و مذهب تاریخی خود به کار گرفته و دولت مردان جمهوری آذربایجان نیز در این خصوص نهایت همراهی را با آنان بعمل آورده اند، لذا تعمیق شناخت در خصوص سیاستهای دولت باکو، حمایت از مردم جمهوری آذربایجان و تلاش برای لغو ممنوعیت حجاب در مدارس متوسطه این کشور که برخلاف آیات صریح قرآن و نیز مقررات بین المللی و حتی قانون اساسی جمهوری آذربایجان در حال اجرا می باشد وظیفه ای در راستای حراست از منافع و امنیت ملی کشور محسوب می گردد.

منابع :

امیراحمدیان، بهرام، روابط ایران و جمهوری آذربایجان: نگاه آذربایجان به ایران، وزارت امور خارجه، 1384، تهران

سلیمانی، افشار، تحکیم دوستی، سفارت جمهوری اسلامی ایران در باکو، 1385

علی یف، حاج علی اکرام، خاطرات، تدوین عبدالحسین شهیدی، مرکز اسناد انقلاب اسلامی، 1385، تهران

*سایتهای خبری Faktxeber.com، Islam-Azeri.az، Birlik.Az

شبکه های تلویزیونی اجتماعی، AZ.tv، آینس، لیدر، اسپیس

روزنامه ینی مساوات، جیهه خلق، اکسپرس چاپ باکو

خبرگزاری آذری APA

خبرگزاری های آران، مهر، فارس و ایرنا

*رسانه های فوق در بازه زمانی سه ماه اخیر مورد بررسی قرار گرفته اند که با توجه به کثرت استفاده از آنها از ارجاع مورد به مورد؛ پرهیز شده است لیکن منبع تمامی مطالب نزد نویسنده محفوظ می باشد.